

متغیرهای منطقه‌ای اثرگذار بر تحولات امنیتی ژاپن: ۲۰۱۲-۲۰۱۹

زینب فرهادی - دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

دکتر بهاره سازمند - دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، تهران، ایران.

دکتر مسعود موسوی شفاپی - دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

دکتر محسن اسلامی - استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۲۳

چکیده

شکست ژاپن در جنگ جهانی دوم و از دست دادن قوای نظامی و ممنوعیت کنشگری مستقلانه نظامی پس از این دوران این کشور را از نظر امنیتی به یک دولت وابسته و منفعل تبدیل کرد. اگر چه در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم چتر امنیتی آمریکا توانست ژاپن را از بحران‌های جنگ سرد و پس‌از آن حفظ کند اما احساس عدم امنیت وجودی در سال‌های اخیر باعث ایجاد پویایی‌های قابل توجهی در راهبردهای کلان این کشور شده است و ما شاهد آن هستیم که ژاپن به عنوان یک قدرت متوسط به سمت از میان برداشتن موانع کنشگری فعالانه در سیاست بین‌الملل و افزایش توانمندی‌های نظامی حرکت کرده است. این احساس عدم امنیت ناشی از دگرگونی در محیط امنیتی شرق آسیا بوده که باعث تغییر در ادراکات سیاست‌گذاران امنیتی ژاپن شده و این کشور را در مسیر پاسخ‌گویی به این تهدیدها و چالش‌ها قرار داده است. سؤالی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که چه متغیرهای محیطی باعث درک ژاپن از تهدید وجودی شده و پاسخ ژاپن به این تهدیدها چه بوده است؟ فرضیه پژوهش حاضر بر این مبنا استوار است که چین و کره شمالی بر اساس چهار مؤلفه تعریف‌کننده تهدید (قابلیت کلی، مجاورت جغرافیایی، توانمندی تهاجمی، نیت خصمانه) که در نظریه موازنه تهدید استفن والت مطرح شده است به عنوان یک تهدید علیه امنیت وجودی ژاپن تعریف شده و این کشور را به سمت موازنه‌سازی تهدید به دو صورت داخلی و خارجی سوق داده است. روش پژوهش در این مقاله در قالب رویکرد‌های تبیینی-تحلیلی و با بکارگیری روش تلفیقی (تلفیق روش‌های کمی و کیفی) خواهد بود. شیوه گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای و مبتنی بر آمار و اسناد بین‌المللی است.

واژگان کلیدی: ژاپن، ایالات متحده آمریکا، چین، کره شمالی، موازنه تهدید.

۱. مقدمه

شمال شرق آسیا به عنوان یک زیرمجموعه از آسیا با ویژگی‌های همچون تمرکز زیاد قدرت نظامی، دیدگاه‌های متفاوت امنیتی، نظام‌های سیاسی مختلف سیاسی (از دیکتاتوری تا دموکراسی)، رقابت بر سر منابع طبیعی، مسائل حل‌نشده مربوط به حاکمیت دریایی (به‌خصوص در دریای جنوبی و شرقی چین) و خطوط هوایی، تهدیدات موشکی و برنامه هسته‌ای کره شمالی، دزدی دریایی و نظامی‌گری رو به رشد در اکثر کشورهای منطقه مشخص شده است. این مسائل باعث شده است که شرق آسیا همچنان دارای معضلات امنیتی بی‌شماری باشد و کشورهای منطقه دچار احساس عدم امنیت شوند. ژاپن به‌عنوان یکی از این کشورها به دلیل شرایط خاصی که پس از جنگ جهانی دوم تجربه کرده بیش از سایر دولت‌های شرق آسیا دچار این احساس تهدید است. ریشه تفاوت در شدت احساس هراس و عدم اطمینان امنیتی ژاپن نسبت به شرایط بیرونی به ممنوعیت قیدشده در قانون اساسی (ماده ۹) در رابطه با کاربست ابزارهای نظامی در حل و فصل منازعات و وابستگی به چتر امنیتی فراهم شده توسط ایالات متحده آمریکا برمی‌گردد؛ امری که ژاپن را به یک دولت آسیب‌پذیر و وابسته به یک حامی خارجی کرده بود. تحولات ساختاری روی داده در نظام بین‌الملل در فردای جنگ سرد و پیچیده شدن محیط امنیتی شرق آسیا هراس امنیتی ژاپن را نسبت به تأمین امنیت ملی خود تشدید کرد و این کشور را در مسیری قرارداد که بیش‌ازپیش استراتژی‌های امنیتی خود را مورد تغییر و تعدیل قرار دهد. این تغییرات که در بازه‌های زمانی گوناگون صورت گرفت سبب شد تا ژاپن در مسیر تبدیل‌شدن به یک «دولت عادی» در نظام بین‌الملل گام بردارد. آنچه از مرور سیاست خارجی و سیاست دفاعی ژاپن در سال‌های پس از جنگ سرد و راهبردهای اتخاذشده این کشور استنباط می‌شود این است که متغیرهای منطقه‌ای عامل تأثیرگذار و پیشران اصلی این تحولات بوده‌اند. در همین راستا مسئله پژوهش پیش رو تحلیل تأثیرمتغیرهای منطقه‌ای بر تحولات امنیتی ژاپن و حرکت این کشور به سمت تبدیل‌شدن به یک دولت عادی است. با در نظر داشت مسئله پژوهش در این مقاله ما به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که چه متغیرهای منطقه‌ای منجر به شکل‌گیری احساس عدم امنیت در ژاپن شده

و این کشور چه پاسخی را به این منابع تهدید داده است؟ در پاسخ به این سؤال فرضیه پژوهش حاضر بر این مبنا استوار است که تغییر در محیط پیرامونی ژاپن با تأکید بر دو کشور چین و کره شمالی پیشران اصلی ژاپن به سمت تحول در استراتژی‌های دفاعی بوده است. استدلال اصلی این نوشتار این است که چین و کره شمالی با در نظر داشت چهار مؤلفه مجاورت جغرافیایی، ویژگی‌های کلی قدرت، قابلیت تهاجمی و نیت خصمانه تبدیل به متغیرهای تهدیدکننده ژاپن شده‌اند و همین مسئله ژاپن را وادار به تغییر و تحول در راهبردهای امنیتی و موازنه سازی تهدید (در قالب دو راهبرد موازنه سازی داخلی و خارجی) کرده است. در این مقاله سعی می‌شود که به تشریح این گزاره‌ها پرداخته شده و چند هدف پیگیری شود: ۱. دستیابی به شناختی جامع از چرایی تغییرات در سیاست‌های امنیتی ژاپن و تبیین دلایل منطقه‌ای تغییر در استراتژی‌های امنیتی این کشور ۲. توضیح نحوه اثرگذاری دو متغیر چین و کره شمالی بر مباحث امنیت ملی ژاپن ۳. تبیین راهبرد ژاپن در برابر تهدیدات منطقه‌ای ۴. تشریح موازنه سازی ژاپن و ایالات متحده در قبال چین و کره شمالی. در راستای نیل به اهداف پژوهش، در این مقاله از روش تبیینی-تحلیلی با در نظر داشت ابعاد کمی و کیفی موضوع مورد مطالعه بهره گرفته شده است

۲. روش تحقیق

نوع تحقیق در این نوشتار تلفیقی از روش کمی و کیفی است. نویسندگان از روش تجزیه و تحلیل تبیینی (علی) -تحلیلی در فرایند بررسی فرضیه بهره برده‌اند. در روش تبیینی-تحلیلی که محقق به دنبال پاسخ به پرسش‌های چرایی و چگونگی و برقراری رابطه علت و معلولی میان متغیرهای مستقل و وابسته است تلاش می‌شود تا توصیف یک فرآیند و توسعه یک مفهوم انجام شود. بنابراین به دنبال بررسی و پاسخ به سؤال چرایی و چگونگی تهدید چین و کره شمالی برای امنیت ژاپن و همچنین سازوکارهای علت و معلولی میان متغیرهای مستقل (تهدیدات منتج از چین و کره شمالی) و وابسته (تحولات امنیتی ژاپن) هستیم. در این مسیر از ظرفیت‌های تبیینی نظریه موازنه تهدید نیز استفاده خواهد شد.

۳. چارچوب نظری

اتحاد و ائتلاف از جمله گزاره‌های مرکزی در نظریات واقع‌گرایانه است. در باب چرایی اتحادها و ائتلاف‌ها و پاسخ به تهدیدات امنیتی پاسخ‌های متعددی توسط نظریه‌پردازان واقع‌گرا ارائه شده است که از آن جمله می‌توان به نظریه موازنه قدرت اشاره کرد. در این رویکرد انباشت قدرت توسط یک بازیگر باعث کاهش ضریب امنیتی سایر بازیگران می‌شود. این نوع نگاه به مفهوم امنیت و قدرت در سال‌های اخیر توسط برخی از واقع‌گرایان نوکلاسیک مورد نقد قرار گرفته و بدیل‌هایی برای آن ارائه شده است که از آن جمله می‌توان به نظریه موازنه تهدید اشاره کرد.

در این راستا والت به‌عنوان یک واقع‌گرای تدافعی^۵ معتقد است که انباشت قدرت توسط یک دولت به خودی خود باعث کاهش ضریب امنیتی سایر کشورها و در نتیجه موازنه‌سازی و یارگیری بازیگران نمی‌شود بلکه مسئله اصلی تهدیدزا بودن آن کنشگر است (Simbar & Esmaeili, 2013: 10). در این رویکرد با جابه‌جایی تمرکز از موازنه قدرت به موازنه تهدید به جای توجه صرف به افزایش مؤلفه‌های قدرت نظامی به تهدیدات توجه می‌شود (Monavari & Rostami, 2017: 193). به باور والت دولت‌ها ضرورتاً از قدرتمندترین دولت نمی‌ترسند، بلکه از دولتی می‌ترسند که بیش از سایر دولت‌ها تهدیدآمیز جلوه کند (Ghafary Valdani & Pyrhady, 2017: 73). در راستای شفافیت بیشتر این گزاره والت ۴ متغیر را برمی‌شمارد که بر اساس آن می‌توان یک دولت را تهدیدزا تعریف کرد. این چهار شاخص عبارتند از:

الف: قابلیت‌های کلی:^۸ هرچه توانمندی‌های یک کشور که شامل (جمعیت، قابلیت‌های صنعتی و نظامی، توانایی‌های فناورانه و...) بیشتر باشد تهدید بالقوه آن کشور نسبت به سایر کشورها

1. Alliance
2. Coalition
3. Balance of Power
4. Balance of threat
5. Defensive-Realist
6. Balancing
7. Bandwagoning
8. Overall Capability

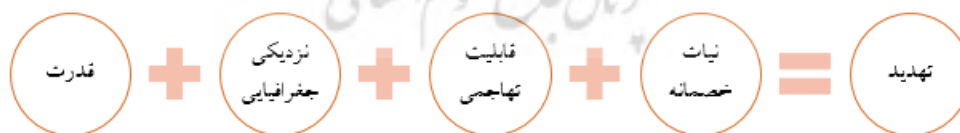
بیشتر خواهد بود. این متغیر وجه اشتراک میان نظریه موازنه قوا و نظریه موازنه تهدید است اما تمرکز صرفی که در موازنه قدرت بر بحث قدرت می‌شود در این نظریه کمتر است (Walt, 1987:22).

ب: نزدیکی جغرافیایی: هرچه فاصله جغرافیایی دو کشور کمتر باشد به همان میزان تهدید زایی آن کشور بیشتر خواهد بود. بر این مبنا دولت‌های که مجاورت جغرافیایی آن‌ها کمتر است نسبت به سایر کشورها تهدیدزا و به همان نسبت دولت‌های دورتر کمتر خطرآفرین هستند (Walt, 1987:23) و احتمال اتخاذ اقدامات موازنه‌ای بازیگران بیشتر خواهد بود.

ج. توانمندی تهاجمی (توانمندی نظامی): هرچه توانمندی تهاجمی یک دولت علیه حاکمیت یا تمامیت ارضی دولت‌های دیگر بیشتر باشد میزان تهدید زایی آن نسبت به یک دولت باقابلیت‌های تدافعی نیز بیشتر خواهد بود (Walt, 1987:24) و به همان میزان فرایند اتحادها تسریع خواهد شد؛ اما نگرانی که در این زمینه وجود دارد این است که تمیز میان قابلیت‌های دفاعی و تهاجمی سخت است (Dehghani Firouzabadi & Nori, 2013:16).

د. نیت خصمانه: دولت‌هایی که نیت‌شان تهاجمی است نسبت به سایر دولت‌ها تهدیدآمیزتر نشان داده می‌شوند (Walt, 1987:25). بر شمردن عنصر «نیت خصمانه» توسط والت و توجه به ذهنیت بازیگران در فرایند ارزیابی تهدیدت و پاسخ به آن رنگ سازه‌انگاران بر تحلیل وی بخشیده است و همین مسئله تمایز عمده‌ای را میان تحلیل وی و موازنه قدرت ایجاد کرده است (Khorshidi et al, 2018:279).

شکل (۱): چهار مؤلفه تعریف‌کننده تهدید از منظر استفن والت



1. Geographic Proximity
2. Offensive Capabilities

دولت‌ها تا زمانی که این ۴ متغیر را به صورت ملموس و پررنگ احساس نکنند نیازی به برقراری موازنه در برابر آن کنشگر نمی‌بینند. در صورت وجود این چهار مؤلفه و افزایش آن در یک بازیگر موازنه علیه آن صورت خواهد گرفت تا مانع از تحقق «نیات تجاوزکارانه» آن کشور شود (Walt, 1987:26). از نظر والت استراتژی موازنه سازی علیه یک تهدید معمول‌تر از دزبانه‌روی است و موازنه سازی علیه تهدید رایج‌تر از موازنه سازی علیه قدرت است (Walt, 1987:29).

در باب پیوند این نظریه با مقاله حاضر و علل انتخاب این رویکرد نظری برای تحلیل متغیرهای منطقه‌ای اثرگذار بر تحولات امنیتی ژاپن باید به این نکته اشاره کرد که مرور رویکردهای نظری روابط بین‌الملل نظیر واقع‌گرایی، لیبرالیسم و سازه‌انگاری حکایت از آن دارد که هرکدام از این رویکردها در پاسخ به سؤالات «چه تهدیدات منطقه‌ای و چرایی تهدیدزایی متغیرهای منطقه‌ای» می‌توانند کمک قابل توجهی به پژوهشگران مسائل امنیتی ژاپن کنند اما این رویکردها دو ضعف عمده دارند. نخست اینکه هر کدام از آنها تنها بر یک جنبه از تحلیل متمرکز هستند. این نقطه تمرکز در نظریات واقع‌گرایانه مسائل نظامی، در نظریات لیبرالیستی فرهنگ و اقتصاد و در نظریات سازه‌انگاری ادراکات ذهنی است. نکته دوم عدم توجه به چگونگی پاسخ‌گویی ژاپن به تهدیدات امنیتی است. این نظریات اگرچه به خوبی می‌توانند تشریح کنند که چه متغیرهای منطقه‌ای به عنوان تهدید برای ژاپن تعریف می‌شوند اما تحلیل کاملی در باب چگونگی پاسخ‌گویی ژاپن به تحولات امنیتی ارائه نمی‌دهند. در برابر این دو نقطه ضعف، نظریه موازنه تهدید استفن والت دو مزیت دارد که می‌توان از آن در جهت تحلیل‌های این مقاله از آن بهره برد. از یک سو در این نظریه به طور هم‌زمان دیدگاه‌های مادی (قدرت، نزدیکی جغرافیایی، قابلیت تهاجمی) و معنایی (نیات خصمانه) مدنظر قرار گرفته است که همین مسئله سبب جامعیت و شمولیت تحلیل می‌شود. از سوی دیگر تشریح نحوه پاسخ‌دهی ژاپن به تحولات امنیتی در قالب «موازنه سازی داخلی و خارجی» با استفاده از این رویکرد امکان‌پذیر است.

۴. محیط امنیتی شمال شرق آسیا و تهدیدهای چین و کره شمالی برای ژاپن

محیط امنیتی شمال شرق آسیا با ویژگی‌هایی نظیر قطب‌بندی و تضاد شدید رژیم‌های سیاسی در این منطقه (از کره شمالی استبدادی تا حکومت‌های دموکراتیک ژاپن و کره جنوبی)، ناتوانی کشورهای منطقه در حل قطعی مسائلی که از زمان جنگ جهانی دوم به آن‌ها به ارث رسیده است (نظیر مسائل ارضی و...)، (Bendini, 2015:8)، رشد اقتصادی بالا و هم‌زمان بودجه‌های کلان نظامی مشخص شده است. در این محیط پویای امنیتی دو کنشگر اساسی باعث تهدید امنیت وجودی ژاپن به‌عنوان یکی از دولت‌های منطقه شده‌اند. در این مبحث به بررسی علل تعریف چین و کره شمالی به‌عنوان تهدید در نگاه ژاپن پرداخته می‌شود. این علل در چارچوب چهارمؤلفه تعریف‌کننده تهدید استفن والت ارائه خواهد شد.

۴-۱. چین به مثابه تهدید

روابط با چین به‌طور سنتی در قلب سیاست خارجی ژاپن قرار دارد و در چارچوب مثلث پیچیده ژاپن، ایالات متحده و چین تکامل یافته است (Watanabe, 2015). علی‌رغم افزایش تعاملات اقتصادی و وابستگی متقابل در سال‌های گذشته، اصطکاک و بی‌اعتمادی رو به رشد سیاسی در روابط دو کشور وجود دارد و ما شاهد سیطره «اقتصاد گرم» و «سیاست سرد» بر روابط دو کشور هستیم (Saltzman, 2014:39). تا جایی که در دسامبر سال ۲۰۰۴ کابینه کویزومی دستورالعمل برنامه دفاع ملی را تصویب کرد جایی که در آن چین به‌عنوان یک عامل مهم در محیط امنیتی ژاپن شناسایی شده و ذکر شده بود که «چین که دارای قدرت تأثیرگذاری بالایی بر امنیت منطقه‌ای است به نوسازی توانمندی‌های هسته‌ای و موشکی و همچنین نیروهای هوایی و دریایی خود ادامه می‌دهد. همچنین این کشور حوزه عملیاتی خود را در دریا گسترش داده است. ما باید توجه بیشتری به اقدامات آینده چین داشته باشیم» (National Defense Program Guidelines, 2004:2).

هم‌چنین بر اساس سند اولین استراتژی امنیت ملی ژاپن در سال ۲۰۱۳ که در سایت وزارت امور خارجه ژاپن منتشر شده است بیان می‌شود که «چین اقداماتی را در حال انجام است که می‌تواند به‌عنوان تلاش برای تغییر یک‌جانبه برای تغییر وضعیت موجود تعریف شود. این مسئله

با قوانین موجود در حوزه‌های دریایی و بین‌المللی ناسازگار است» (National Security Strategy, 2013:12-13).

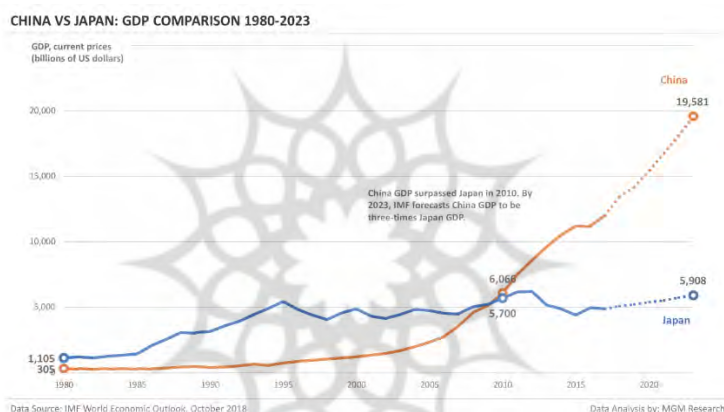
در ادامه، سند وزارت دفاع در سال ۲۰۱۵ یک تصویر تاریک از محیط امنیتی را به تصویر می‌کشد که با چالش‌های متعددی نظیر تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی، حملات سایبری، بیماری‌های واگیر، دزدی دریایی، تغییرات آب و هوایی و سایر مسائل زیست‌محیطی تهدید می‌شود اما فوری‌ترین این چالش‌ها ظهور چین و کره شمالی است. در این سند در تشریح محیط امنیتی اطراف ژاپن بیان می‌شود که «اگر چه این انتظار می‌رود که چین ارزش‌ها و هنجارهای بین‌المللی را به اشتراک بگذارد و مطابق با آن‌ها عمل کند و نقش فعال‌تری در رابطه با مسائل مشترک منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا کند اما این کشور به سرعت در حال تقویت و گسترش توانمندی‌های نظامی خود بدون شفافیت کافی است که این مسئله می‌تواند به عنوان یک تلاش برای تغییر وضعیت کنونی در دریای شرقی و جنوبی چین نظر گرفته شود و...» (Defense Annual Paper, 2015:156). در آخرین سند دفاعی ژاپن که برای سال ۲۰۱۹ تهیه شده است بیان می‌شود که «چین بدون هیچ گونه شفافیتی در حال توسعه و گسترش توانمندی‌های نظامی خود است. چین به سرعت در حال بهبود توانمندی‌های نظامی خود هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی با تمرکز بر نیروهای هسته‌ای، موشکی، دریایی و هوایی است. پیشرفت با سرعت در حوزه‌های سایبر و الکترومغناطیسی می‌تواند کنترل رقیبان را مختل کند و...» (National Defense Program Guidelines, 2018:5).

در جواب چرایی این مسئله که چرا ژاپن چین را به عنوان یک تهدید تعریف کرده است می‌توان به مؤلفه‌های ذیل اشاره کرد.

الف: توانمندی‌های کلی: بر اساس اطلاعات بانک جهانی در سال ۲۰۱۹، چین با جمعیت ۱,۴ میلیارد نفری و جایگاه دوم اقتصاد جهانی (بزرگ‌ترین صادر کننده و دومین وارد کننده بزرگ کالا در جهان) از زمان اصلاحات اقتصادی در سال ۱۹۷۸ یک پیشرفت عظیم اقتصادی و اجتماعی را تجربه کرده است (World Bank, 2019). پیشرفت عظیم چین در زمینه اقتصادی به این کشور این فرصت را داده است تا از ظرفیت‌های اقتصادی خود به عنوان یکی از ابزارهای

سیاست خارجی استفاده کند و نفوذ خود را در سطح جهانی گسترش ببخشد (Asgarkhani & Ghahramani & Ghaderi Hajat, 2019: 221). علاوه بر منابع قدرت سخت، این کشور به زمینه قدرت نرم نیز توجه ویژه‌ای داشته است که از آن جمله می‌توان به افزایش قدرت نهادی، سرمایه گذاری در حوزه دیپلماسی و فرهنگ (مانند ترویج زبان چینی)، افزایش نفوذ و مشروعیت بین‌المللی، کسب اعتبار،... اشاره کرد (Shamiri Shekofti & Shahandeh, 2018: 57-58).

شکل (۲): نمودار مقایسه تولید ناخالص داخلی چین و ژاپن در فاصله زمانی ۱۹۸۰-۲۰۲۳



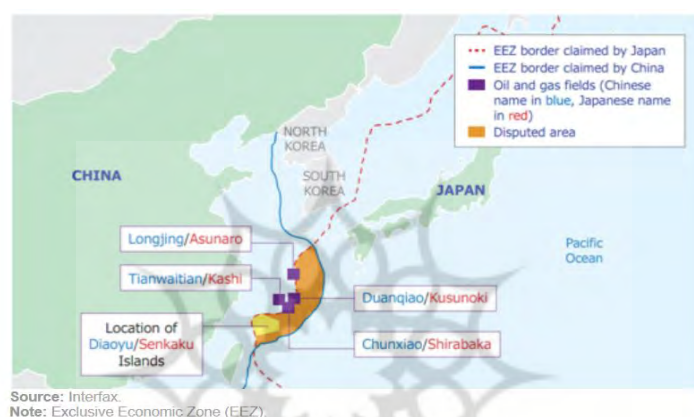
(Source: MGM Research, 2019)

در کنار رشد اقتصادی و جمعیت زیاد، وسعت سرزمینی بالا با حدود ۹,۶ میلیون کیلومتر مربع (رتبه پنجم از نظر وسعت در جهان)، منابع غنی معدنی، عضویت دائم در شورای امنیت سازمان ملل متحد، دارا بودن دومین بودجه دفاعی جهان، چین از سوی بسیاری از تحلیل‌گران به عنوان یک ابرقدرت تعریف شده است (CIA World Fact Book, 2019).

ب: نزدیکی جغرافیایی: فاصله چین از ژاپن سه هزار و پنجاه و چهار کیلومتر است و دو کشور از طریق دریای چین شرقی از هم جدا شده‌اند (World Atlas, 2018). مهم‌ترین مسئله در بعد جغرافیایی دو کشور که بر روابط آن‌ها اثر گذاشته بحث اختلاف بر سر جزایر سنکاکویا دیائویو است که روزبه‌روز بر شدت تنش‌ها و اختلافات آن افزوده شده است. در سال‌های اخیر روابط دو کشور به علت رقابت بر سر تصاحب این مناطق بدتر شده که این مسئله نیز متأثر از

رفتارهای طرفین بوده است. به عنوان نمونه خرید برخی از جزایر سنکاکو از مالکان شخصی آن با هدف ملی کردن قلمرو مورد اختلاف توسط دولت ژاپن در سال ۲۰۱۲ (Withitwinyuchon,2016:245) و یا اعلام منطقه شناسایی دفاع هوایی در ۲۳ نوامبر ۲۰۱۳ توسط چین (Ben-Ari,2015:11) از مهم‌ترین منابع اصطکاک در روابط دو کشور بوده است.

شکل (۳): نقشه مناطق مورد اختلاف چین و ژاپن

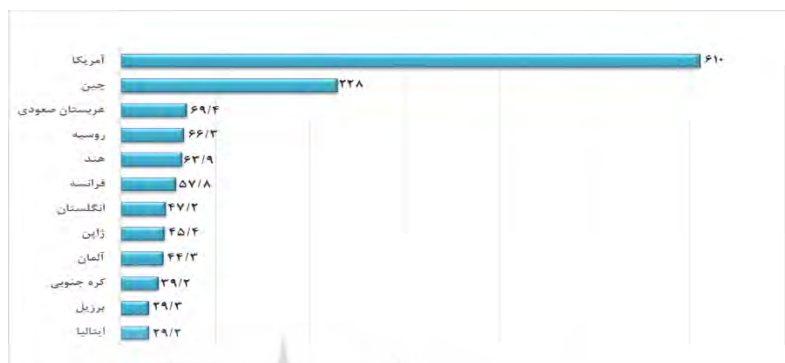


(Source: U.S. Energy Information Administration, 2012)

ج. توانمندی تهاجمی (نیروی نظامی): گرچه در طی چند دهه گذشته بودجه نظامی ژاپن از چین بیشتر بود، اما از اواسط دهه ۲۰۰۰ ژاپن این برتری را از دست داد. تحولاتی نظیر افزایش ۴ برابری بودجه نظامی نسبت به ده سال گذشته و ۴۰ برابری نسبت به ۲۶ سال گذشته (Hosoya, 2015: 298)، تلاش برای گسترش سرزمینی با استفاده از قدرت نظامی، مدرنیزاسیون زرادخانه هسته‌ای چین و گسترش سایبری به کشورهای دیگر (Watanabe, 2015)، سیاست هماهنگ و پیش‌رونده افزایش تسلیحات، توسعه سریع و بهبود ارتش آزادی‌بخش (Ben-Ari, 2015: 12)، نوسازی نیروی دریایی در حوزه مناطق مورد مناقشه (Lind, 2016: 5)، سیستم‌های مدرن جنگی و سامانه موشکی‌های بالستیک، هواپیمای جنگی مدرن حکایت از آن دارد که چین توانمندی‌های کافی تهاجمی را به دست آورده است (Hosoya, 2015: 298).

1. People's Liberation Army

شکل (۴): نمودار ۱۵ کشور با بالاترین هزینه نظامی در سراسر جهان در سال ۲۰۱۷ (بر اساس میلیارد دلار آمریکا)



(Source: Statista, 2019)

بر اساس گزارشی که هیئت مشورتی ژاپن در سال ۲۰۱۴ منتشر کرد «در حالی که هنوز بخش‌های غیرقابل شفاف در بودجه نظامی وجود دارد، بودجه رسمی نظامی چین در سال ۲۰۱۴ بیش از دوازده هزار میلیارد یین است که تقریباً سه برابر بودجه دفاع ژاپن است» (The Advisory panel, 2014:14). رشد نظامی چین در پیوند با دو مسئله رقابت تاریخی بین توکیو و بیجینگ برای رهبری منطقه‌ای و تغییر چشم‌انداز موازنه قدرت منطقه‌ای (Glosserman, 2016:13-14) بر تهدیدزا بودن چین تأثیرگذار بوده است.

د. نیات خصمانه: دولت چین در بازه‌های زمانی مختلف رفتارهایی نشان داده که حکایت از نیات خصمانه آن دارد. مهم‌ترین مصادیق نیات خصمانه چین نسبت به ژاپن را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد: موضع مقابله‌جویانه در تعدادی از منازعات مرزی (Saltzman, 2014:31)، رقابت شدید بر سر جزایر سنکاکو به علت ارزش بالای اقتصادی (منابع غنی نفتی و گازی) و اهمیت استراتژیک جزایر در تأمین منافع سیاسی و امنیتی (Costa, 2017:66-59)، اعلام منطقه شنا سایی دفاع هوایی در سال ۲۰۱۳ (Ben-Ari, 2015:11)، نقض مکرر فضای هوایی و دریایی توسط چین (Pollock, 2016)، ورود کشتی‌های چینی به مناطق مورد مناقشه در سال ۲۰۰۵، عملیات حفاری نفتی در مناطق مورد مناقشه (Saltzman, 2014:42)، افزایش نقض حریم هوایی کشور ژاپن به ویژه از سال ۲۰۱۰ (در سال ۲۰۱۳، ۱۸۸ مورد گزارش ورود کشتی‌های چینی به

آب‌های ژاپن اعلام شده است) (Sakaki, 2015: 8)، ورودی زیردریایی مشکوک بدون پرچم به آب‌های سرزمینی ژاپن در سال ۲۰۰۸ (Matton, 2009: 1)، کاربست یک «تاکتیک سلامی» در رابطه با جزایر مورد مناقشه (Sakaki, 2015: 9)، رقابت بر سر ارسال گاز از سیبری و حقوق اکتشاف نفت و گاز از دریای چین، رقابت برای ایجاد موافقت‌نامه‌های چندجانبه در آسیای جنوب شرقی، مخالفت چین با عضویت ژاپن در شورای امنیت سازمان ملل، رقابت بر سر ارائه کمک‌های خارجی به کشورهای شرق آسیا به مثابه ابزار نفوذ در این کشورها (Soderberg, 2005: 5)، تشکیل یک شبکه ضدآمریکایی از متحدان توسط چین شامل قدرت‌های منطقه‌ای نظیر روسیه و کره شمالی و در نهایت دنبال نکردن نظم حاکم بر امنیت منطقه‌ای مبتنی بر قدرت آمریکا باعث تشدید تنش در روابط دو کشور شده است. با در نظر داشتن این چهار مؤلفه، ادراک ژاپن از چین به صورت یک تهدید رو به رشد است و همین مسئله باعث شده که علاوه بر اسناد، در موقعیت‌های مختلف ژاپنی‌ها نسبت به چین ابراز نگرانی کنند.

شکل (۵): علل تعریف چین به عنوان یک تهدید



۲-۴. کره شمالی به مثابه تهدید

شبه جزیره کره مرکز ثقل بحران‌های پدید آمده در آسیا و از عوامل پراهمیت در تغییر محیط امنیتی شمال شرق آسیا و بالطبع تغییر رویکردهای امنیتی ژاپن در سال‌های اخیر است. در

۱. "salami tactic" به معنای گسترش و تحکیم منظم و پیوسته کنترل بر مناطق مورد اختلاف و حوزه‌های دریایی اطراف آن و روش گام‌به‌گام و اجتناب آگاهانه از انجام اقدامات صریح نظامی است.

مقطع فعلی مسئله هسته‌ای کره شمالی به بحرانی مزمن در این منطقه شکل داده و باعث کاهش احساس امنیت در منطقه شده است. در همین راستا در اسناد مختلف نظیر سند وزارت دفاع ژاپن در سال ۲۰۰۵ (Defense Annual Paper,2005:3) دستورالعمل برنامه دفاع سال ۲۰۰۴ (National Defense Program Guidelines,2004:2)، استراتژی امنیت ملی در سال ۲۰۱۳ (National Security Strategy,2013:11-12) و سند وزارت دفاع سال ۲۰۱۵ (Defense Annual Paper,2015:3) کره شمالی به عنوان یک تهدید تعریف شده است. در ادامه به علل چرایی تعریف کره شمالی به عنوان یک تهدید علیه ژاپن پرداخته می‌شود.

الف: توانمندی‌های کلی

کره شمالی به وسعت ۱۲۰ هزار و ۵۳۸ کیلومتر و با جمعیتی در حدود ۲۵ میلیون نفر در منطقه شمال شرق آسیا واقع شده است (CIA Fact Book,2019). به دلیل فضای بسته سیاسی این کشور اطلاعات چندانی در رابطه با وضعیت اقتصادی و مؤلفه‌های قدرت این کشور وجود ندارد. با این حال سازمان‌های نظیر سازمان مرکزی اطلاعات امریکا و یا بانک ملی کره جنوبی تلاش کرده‌اند تا آماری در رابطه با وضعیت اقتصادی و تولید این کشور ارائه دهند. بر اساس این آمار تولید ناخالص داخلی کره شمالی چیزی در حدود ۱۶٫۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ و یا فقط ۶۶۵ دلار سرانه است که رقم بسیار ناچیزی است (Brown,2018:4).

شکل (۶): نمودار مقایسه نرخ رشد تولید ناخالص داخلی کره شمالی و کره جنوبی



(Source: Trading Economics, 2019)

ب: نزدیکی جغرافیایی: فاصله ژاپن از کره شمالی هزارچهل و پنج کیلومتر است. اگرچه این دو کشور با یکدیگر مرز مشترک ندارند اما در مناطقی نظیر جزایر تاکسیما دچار اختلاف هستند. در مقام مقایسه، کره شمالی نسبت به چین به ژاپن نزدیکتر است و همین امر شدت تهدیدزایی کره شمالی را افزایش داده است (Hay,2014:13).

شکل (۷): نقشه مسیر تقریبی موشک‌های کره شمالی

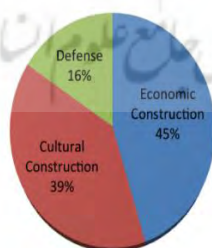
Approximate path of North Korean missile



(Source:BBC,29 August 2017)

ج. توانمندی تهاجمی (قدرت نظامی): بخش عظیمی از بودجه این کشور به حوزه نظامی اختصاص داده شده و همین امر سبب شده است که کره شمالی از نظر نظامی به یکی از قدرتمندترین کشورهای جهان تبدیل شود (بیش از یک میلیون سرباز و پنج میلیون نیروی ذخیره) (BBC,25 February 2019).

شکل (۸): نمودار میزان بودجه اختصاصی برنامه‌ریزی شده برای هریک از بخش‌های کره شمالی (سال ۲۰۱۴)



(Source:Hayes & Cavazos,2015:10)

در سال‌های اخیر کره شمالی به شدت توانمندی‌های نظامی خود را به خصوص در بعد هسته‌ای و موشک‌های بالستیک، قابلیت‌های سایبری (به ویژه هک سونی، پروژه‌های دولتی، شبکه‌های

تجاری و زیرساخت‌های کره جنوبی) افزایش داده است (Glosserman, 2016: 12).
مرور اقدامات تهاجمی کره شمالی حکایت از آن دارد که پرتاب موشک‌های بالستیک باعث شکل‌گیری احساس خطر شدیدی در مقامات ژاپنی شده و آن‌ها را به واکنش واداشته است. به عنوان مثال ایشیبا مدیرکل آژانس دفاع به طور آشکار به پیونگیانگ هشدار داد که «اگر کره شمالی شروع به استفاده از سلاح علیه ژاپن کند ملت ما از نیروی نظامی به عنوان اقدام دفاع از خود استفاده خواهد کرد» (Joyce & Gedye, 2003). این واکنش سیاسی به خطرات ناشی از توانمندی تهاجمی کره شمالی نشان می‌دهد که از نظر مقامات ژاپن کره شمالی یک تهدید علیه ژاپن است و کره شمالی موشک‌ها را نه فقط برای شوخی بلکه برای بازی واقعی به دست می‌آورد و همان‌طور که ایشیبا اشاره می‌کند «ما مجبور هستیم که بگوییم این یک تهدید جدی برای کشور ما است» (Brooke, 2003).

د. نیات خصمانه: کره شمالی نه تنها به خاطر ماهیت غیرقابل پیش‌بینی رژیم کره شمالی، مواضع تحریک‌آمیز پیونگیانگ، پرتاب موشک به سمت دریای ژاپن در دهه ۱۹۹۰ (319: You, 2015)، انجام آزمایش‌های متعدد هسته‌ای و گسترش فناوری موشکی همراه با تهدیدات لفظی (Prosser, 2017: 33-34) به عنوان یک تهدید فوری درک شده بلکه نیات خصمانه این کشور در سال‌های گذشته باعث افزایش درک از تهدید در بین مردم ژاپن شده است. اقداماتی نظیر، آدم‌ربایی و تحریک احساسات عمومی مردم (Sakaki, 2015: 10)، وارد شدن قایق‌های جاسوسی این کشور به آب‌های سرزمینی ژاپن (Singh, 2002: 87)، اختلافات ارضی، تاریخی و ایدئولوژیک (Cooper, 2016: 14)، حمله به سایر کشورها نظیر حمله به کشتی جنگی کره جنوبی در مارس سال ۲۰۱۰ و حمله توپخانه‌ای به جزیره کره جنوبی (Sakaki, 2015: 10) نشان از نیات خصمانه کره شمالی علیه امنیت و ثبات ژاپن دارد.

شکل (۹): علل تعریف کره شمالی به عنوان یک تهدید



در پایان بحث محیطی امنیتی و تأثیر آن بر تحولات امنیتی ژاپن می توان این نتیجه گیری را کرد که اگرچه چین و کره شمالی از گذشته های دور همواره به عنوان یک عنصر تهدیدزا برای امنیت ملی ژاپن تعریف می شدند اما این مسئله در بازه زمانی سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۹ به دلیل چهار مؤلفه (قدرت، مجاورت جغرافیایی، توانمندی تهاجمی، نیت خصمانه) بیش از پیش بر تحولات امنیتی ژاپن اثر گذاشتند. هم زمانی شدت گیری میزان تهدیدزایی چین و کره شمالی در بین سال های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۹ با روی کار آمدن شینزو آبه به عنوان یک نخست وزیر محافظه کار و عمل گرا سبب شد که در این بازه زمانی ژاپن بیشترین میزان اصلاحات و تحولات در ساختارهای امنیتی نظیر تفسیر قانون اساسی در سال ۲۰۱۵ و اجازه حضور ژاپن در جنگ های فراسرزمینی برای نخستین بار پس از پایان جنگ جهانی دوم خود را تجربه کند. بنابراین می توان ادعا کرد در شرایطی که به طور هم زمان محیط امنیتی خارجی ژاپن الزامات خاصی را بر رفتارهای امنیتی و سیاست خارجی این کشور تحمیل می کرد و فردی تحول خواه به منصب قدرت رسیده بود این کشور در محاسبات راهبردی و سیاست خارجی خود تحولات برجسته ای را تجربه کرد. در بخش بعد به این اقدامات و موازنه سازی هایی که ژاپن در مقابل تهدیدات منطقه ای انجام داده است اشاره می شود.

شکل (۱۰): فرایند موازنه سازی در راهبرد دفاعی-امنیتی ژاپن



۳-۴. ژاپن و موازنه سازی تهدید

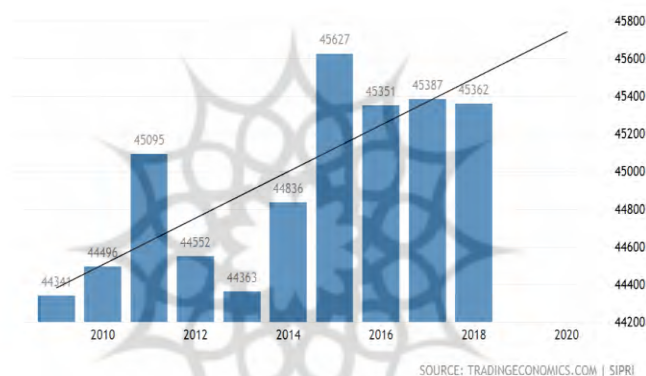
همان‌طور که پیش از این رفت تهدیدات امنیتی برآمده از محیط پویای شرق آسیا به طور خاص کره شمالی و چین باعث تغییر در محاسبات استراتژیک ژاپن شد و این کشور را به پاسخ در برابر این منابع تهدید واداشت. راهبرد پاسخگویی ژاپن به این تهدیدات در قالب موازنه سازی داخلی و موازنه سازی خارجی قابل طرح است.

۳-۴-۱. موازنه سازی داخلی

تلاش ژاپن برای پاسخ‌دهی به تهدیدات محیطی در گام نخست در قالب موازنه سازی داخلی قابل تشریح است. در این سطح از موازنه سازی ژاپن اقدام به اصلاحات ساختاری و نهادی باهدف از میان برداشتن موانع قانونی ژاپن برای درگیری در روندها و تحولات امنیتی منطقه‌ای و جهانی کرده است. در بعد ساختاری و قانونی از سال‌های نخست هزاره سوم شاهد حرکت تدریجی ژاپن برای از میان برداشتن موانع قانونی در کنشگری این کشور هستیم. علی‌رغم یک دوره نخست‌وزیری نه چندان موفق شینزو آبه در سال ۲۰۰۶، بازگشت وی به قدرت آغازگر تحولات جدی در ساختارهای نهادی و قانونی ژاپن بود. اگر چه وی اقدامات متعددی را در دوران نخست‌وزیری خود به ثمر رساند اما شاید بتوان گفت اقدامات وی در جهت از میان برداشتن محدودیت‌های قانون اساسی به خصوص ماده ۹ قانون اساسی که اجازه حضور ژاپن در جنگ‌های فرا سرزمینی را نمی‌داد مهم‌ترین اقدامی بود که در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ صورت گرفت. تفسیر قانون اساسی همراه با تغییرات ساختاری نظیر تبدیل آژانس دفاع به وزارت دفاع، تأسیس شورای امنیت ملی در سال ۲۰۱۳ و انتشار نخستین استراتژی امنیت ملی، از میان برداشتن محدودیت صدور تسلیحات و افزایش بودجه نظامی، تصویب قانون دولت

محرمانه(تسهیل اشتراک‌گذاری اطلاعات محرمانه نظامی)... ژاپن را بیش‌ازپیش به یک «دولت عادی» در صحنه روابط بین‌الملل نزدیک ساخت (Gaens,2014:2-7). هم‌چنین مرور بودجه نظامی ژاپن در سال‌های گذشته و قراردادهای تسلیحاتی این کشور نشانگر تغییر تدریجی و در عین حال افزایشی روند سرمایه‌گذاری در بخش نظامی این کشور را دارد. در حال حاضر بر اساس آمار سایت SIPRI ژاپن با بودجه ۴۶,۶ میلیارد دلاری در سال ۲۰۱۸ در رتبه ۸ جهان از نظر بزرگی بودجه نظامی جهانی قرار دارد (SIPRI Fact Sheet, 2019:2).

شکل (۱۱): نمودار هزینه‌های نظامی ژاپن از سال ۲۰۱۰-۲۰۱۸



(Source: Trading Economics, 2019)

تازه‌ترین اقدام ژاپن برای تقویت بعد نظامی خود برنامه میان مدت دفاع ملی پنج ساله این کشور برای سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۲۳ است. بر اساس پیش‌بینی‌های این سند هزینه‌های نظامی ژاپن در طی یک بازه پنج ساله به ۲۷ تریلیون (۲۴۰ میلیارد دلار) خواهد رسید (Medium Term Defense Program, 2018:34). نکته قابل توجه سند برنامه میان مدت دفاعی آن است که آن هم با توجه به دستورالعمل برنامه دفاعی برای سال مالی ۲۰۱۹ و فراتر از آن (تائید شده در ۱۸ دسامبر ۲۰۱۸)، تصویب شده این است که به وضوح بیان شده «ژاپن به طور قابل توجهی توانمندی دفاعی خود را به منظور ایجاد یک توانمندی مؤثر واقعی دفاعی، نیروی دفاعی چند

1. Medium Term Defense Program

2. National Defense Program Guidelines for FY 2019 and beyond

بعدی،...افزایش خواهد داد». «به منظور انطباق با تغییرات فزاینده سریع در محیط امنیتی، ژاپن توانایی دفاعی خود را تقویت خواهد کرد» (Medium Term Defense Program, 2018:1). همراه با اصلاحات قانونی در بعد فرهنگی و اجتماعی نیز ژاپن اقدام به اصلاحاتی نمود که هدف نهایی از آن‌ها موازنه سازی و تقویت جایگاه ژاپن در برابر چین بود که از آن جمله می‌توان به بازنگری در سیستم آموزش و پرورش کشور برای تشویق احساس قوی تر وطن پرستی در جوانان کشور (Bendini, 2015:11)، بازدیدهای سالیانه از معبد یاسوکانیو تلاش برای کم‌اهمیت دادن جنایات ژاپن در جنگ جهانی (Sakaki, 2015:5) و... اشاره کرد.

۲-۳-۴. موازنه سازی خارجی

همگام با اصلاحات ساختاری و نهادی داخلی ژاپن اقدام به موازنه سازی خارجی کرده است که این سطح از موازنه سازی در دو سطح قابل تشریح است.

۱-۲-۳-۴. تعمیق ائتلاف نظامی-امنیتی با ایالات متحده آمریکا

اگرچه سابقه ائتلاف بین ایالات متحده و ژاپن به سال‌های پس از جنگ جهانی دوم بر می‌گردد اما نکته اساسی تغییرات تدریجی در این ائتلاف در سال‌های اخیر است که آن را از شکل اولیه (سواری رایگان ژاپن از آمریکا) متفاوت کرده است (Armitage & Nye, 2012:1-2).

در مسیر تقویت ائتلاف امنیتی ژاپن چند سته از اقدامات را انجام داده است: تفسیر جدید از قانون اساسی و تصویب قوانین جدید امنیتی در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ و صدور اجازه حضور نیروهای نظامی در جنگ‌های فرا سرزمینی برای اولین بار پس از جنگ جهانی دوم، بازبینی معاهده امنیتی ایالات متحده در سال ۲۰۱۵، حمایت همه‌جانبه از سیاست‌های ایالات متحده در منطقه، نمایش قدرت در سطوح مختلف نظامی و تسلیحاتی (برگزاری رزمایش‌های مشترک)، تلاش برای نزدیکی با کشورهای متحد ایالات متحده و تشکیل جبهه متحدین (افزایش روابط امنیتی با هند و استرالیا)، پررنگ نشان دادن کره شمالی به عنوان تهدید و معضلی جهانی و جلب توجه جهانی به این کشور، تلاش برای همکاری با سازمان‌های امنیتی نظیر ناتو و کشاندن این سازمان به منطقه شرق آسیا،

در پایان باید گفت که اتحاد و موازنه‌سازی ژاپن از طریق ائتلاف با آمریکا نه تنها به نفع ژاپن

بلکه منافع آمریکا در منطقه را نیز تأمین می‌کند بدیهی است که با افزایش میزان تهدیدات، قدرتمند استراتژیک آمریکا (ژاپن) در منطقه تضعیف شده و در نتیجه منافع حیاتی و هژمونی این کشور تهدید شود؛ بنابراین موازنه سازی ژاپن اگرچه در وهله اول عملی برای مهار تهدیدات علیه امنیت ملی این کشور تلقی می‌شود اما نتیجه بلندمدت آن تقویت جایگاه استراتژیک ایالات متحده در منطقه خواهد بود امری که با در نظر داشت جایگاه ژاپن در سیستم هاب-اسپوک آمریکا بهتر درک می‌شود.

۴-۳-۲. شبکه‌سازی امنیتی در شرق آسیا و فراتر از آن

یکی از راهبردهای ژاپن در موازنه سازی تهدید که آن‌هم به نوعی در زیر مجموعه ائتلاف و اتحاد با آمریکا قرار می‌گیرد شبکه‌سازی امنیتی است. هدف از استراتژی شبکه‌سازی گسترش دامنه متحدین و دوستان ژاپن برای مقابله با تهدیدات منطقه‌ای، تقویت جایگاه ژاپن روندهای امنیتی، افزایش ضریب امنیتی ژاپن و تأمین منافع سیاسی آن است (Twining, 2014). این راهبرد در چند سطح روی داده است:

در سطح نخست این شبکه‌سازی کشورهای حوزه آسه آن قرار می‌گیرند. اغلب این کشورها با چین دچار اختلافات ارضی و مرزی‌اند و از قدرتمند شدن بیش از حد این کشور نگران‌اند و سلطه چین و خروج آمریکا از منطقه را نمی‌خواهند (Goh, 2011: 887) و گزینه مطلوب آنان، تداوم نوعی موازنه میان قدرت‌های رقیب در این منطقه است؛ بنابراین، این دولت‌ها نیز در متوازن‌سازی در برابر چین با ژاپن منافع مشترک دارند.

در سطح دوم راهبرد شبکه‌سازی ژاپن بر کشورهای استرالیا و هند متمرکز است. این دو کشور از متحدین اصلی آمریکا در منطقه آسیا-پاسفیک هستند. اگرچه هرکدام از این دو کشور در زمینه اقتصادی با چین روابط خوبی دارند اما هراس آن‌ها از آینده نامعلوم گسترش نظامی چین و تهدیدات کره شمالی سبب نزدیکی به بلوک آمریکا شده است.

در همین راستا خارج از آسیای شرقی، ژاپن روابط نزدیکی را با کشورهایمانند استرالیا برقرار کرده است. از زمان اعلام اعلامیه مشترک ژاپن و استرالیا در مورد همکاری امنیتی در مارس ۲۰۰۷، همکاری امنیتی بین ژاپن و استرالیا به سرعت در حال گسترش است. در همین مسیر

دو کشور در ماه ژانویه ۲۰۱۳ موافقت نامه تقویت روابط نظامی دو جانبه را تأسیس (Gray,2013:6) و در ماه ژوئن ۲۰۱۲ تمرین نظامی مشترک دریایی برگزار کردند (Kaseda,2012:45).

هم‌چنین هند پس از آمریکا و استرالیا، سومین شریک مهم استراتژیک ژاپن است و این روابط از سال ۲۰۰۶ تقویت شده است. هند با توجه به قابلیت‌های و سبب متوازن سازی، اختلافات مرزی با چین و رقابت راهبردی تاریخی با آن، به طور وسیع مورد توجه ژاپنی‌ها قرار گرفته و به بخش مهمی از جورچین امنیتی آبه تبدیل شده و همین مسئله باعث شده است که عده‌ای بر آن باشند که افزایش سرمایه‌گذاری در هند نه تنها یک انتخاب اقتصادی برای ژاپن، بلکه یک راهبرد سیاسی و امنیتی نیز است (Singh,2016).

۵. نتیجه‌گیری

بررسی رفتاری ژاپن حکایت از آن دارد که پندار تهدیدآمیز بودن دو کشور چین و کره شمالی محرک اصلی تغییرات راهبردی این کشور هم در سیاست‌های اعمالی (تغییر در قانون اساسی و بازبینی معاهده امنیتی با آمریکا) و اعلامی (سخنرانی‌های نخست وزیر شینزوآبه) ژاپن بوده است. چرایی این ادراک از تهدید در چارچوب نظریه موازنه تهدید استفن والت تشریح شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به چهار اصل کلی قابلیت‌های کلی، معجوریت جغرافیایی، قابلیت‌های تهاجمی و نیات خصمانه درک و برداشت رهبران ژاپن به این سو رفته است که دو کشور چین و کره شمالی برای امنیت و ثبات در منطقه شرق آسیا خطرناک هستند و ژاپن که از نظر جغرافیایی فاصله چندانی از مراکز تهدید ندارد در مرجع و مرکز این تهدیدات قرار دارد. در این میان مقایسه میزان تهدیدزایی چین و کره شمالی حکایت از آن دارد که اگرچه کره شمالی از نظر منابع کلی قدرت به دلیل دارا نبودن مؤلفه‌های قدرت (نظیر قدرت اقتصادی، جمعیت، وسعت و...) نسبت به چین کمتر درک می‌شود اما همان طور که والت معتقد است کشورهای قدرتمند لزوماً تهدیدزا نیستند، بلکه در این میان کشورهای را می‌توان یافت که با وجود اینکه فاقد مؤلفه‌های قدرتی‌اند، اما تهدید جدی علیه امنیت بین‌المللی به شمار می‌آیند و اتحادها ممکن است در برابر کشورهای تشکیلی شود که فاقد قدرت باشند. در

این مقاله ضمن تأیید فرضیه بخش اول (تعریف چین و کره شمالی به عنوان تهدید) راهبرد ژاپن مبتنی بر ایجاد موازنه‌سازی داخلی و خارجی به عنوان پاسخ ژاپن به این تهدیدات امنیتی تشریح شد و این نتیجه گرفته شد که در شرایطی که رشد توان نظامی چین، این کشور را به یک قطب انکارناپذیر قدرت نظامی در سطح جهان مبدل ساخته است و فعالیت‌های هسته‌ای کره شمالی به عنوان یک متغیر بی‌ثبات ساز تعریف شده بازنگری دستورالعمل‌های دفاع ایالات متحده ژاپن و تعمیق همگرایی و یکپارچگی امنیتی ژاپن با ایالات متحده و شبکه‌سازی امنیتی و گسترش شبکه متحدین منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ژاپن به عنوان یک راهبرد موازنه ساز در دستور کار سیاست‌گذاران ژاپن قرار گرفته است. در این میان تقویت اتحاد با آمریکا اهمیت ویژه‌ای دارد. ژاپن و ایالات متحده با پایه‌های مشترک در منافع و ایدئولوژی و درک مشترک از تهدید ساختار امنیتی ایجاد کردند تا در وهله اول تهدیدات امنیتی را مهار کنند و سپس منافع استراتژیک خود را حفظ کرده و جلوی انزوای ژاپن و به خطر افتادن ثبات شرق آسیا را بگیرند.

۶. قدرتدانی

نویسندگان این مقاله بر خود لازم می‌دانند که از اساتید گرانقدر گروه روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس، گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه یورک (تورنتو-کانادا) و همچنین هیئت تحریریه نشریه ژئوپلیتیک به خاطر حمایت‌های علمی و معنوی و فراهم ساختن امکان انتشار این پژوهش تشکر و قدردانی نمایند.

References

1. Armitage, Richard L&. Nye, Joseph S(2012). "The U.S.-Japan Alliance: Anchoring Stability in Asia." Center for Strategic and International Studies, August.
2. Asgarkhani, A., Ghahramani, M., Ghaderi Hajat, M.(2019). Geoeconomic Analysis of China's Foreign Policy. *Geopolitics Quarterly*, 14(52), 209-233.
3. Bergenwall, Samuel, Korkmaz, Kaan, Rydqvist, John (2016). Japan's Defence and Security Policy - a Primer, FOI report, -R-4249—SE.
4. BBC(2019). North Korea's missile and nuclear programme, Available at <https://www.bbc.com/news/world-asia-41174689>
5. BBC (2017). North Korea fires missile over Japan in 'unprecedented threat', Available at <https://www.bbc.com/news/world-asia-41078187>
6. Ben-Ari, Eyal.(2015). "Changing Japanese Defense Policies", the Begin Sadat Center for Strategic Studies, Mideast Security and Policy Studies No. 112.
7. Bendini, Roberto.(2015).Japan Foreign and Security Policy at a Crossroads, European Union, Policy Department, Retrieved from:[http://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/IDAN/2015/549065/EXPO_IDA\(2015\)549065_EN.pdf](http://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/IDAN/2015/549065/EXPO_IDA(2015)549065_EN.pdf)
8. Bock, Andreas(2014). Balancing for (In) Security: An Analysis of the Iranian Nuclear Crisis in the Light of the Cuban Missile Crisis, Perceptions, summer 2014, Volume XIX, Number 2, pp. 113-138.
9. Brooke, James(2003). "Japanese Official Wants Defense against Missiles Expanded, New York Times, April 17, 2003.
10. Brown, William(2018).North Korea's Shackled Economy, The National Committee on North Korea (NCNK), Special Report.
11. CIA World Fact book (2019). China, available at <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/ch.htm>.
12. Cliff, Roger (2015). Japan's security roll and capabilities in the 2020, The Atlantic Council, Retrieved from https://espas.secure.europarl.europa.eu/orbis/sites/default/files/generated/document/en/Japan_s_Security_Role.pdf.
13. Cooper, Barry (2016). The Evolution of Japanese Security Policy, Canadian Global Affairs Institute, Retrieved from https://d3n8a8pro7vnmx.cloudfront.net/cdfai/pages/1400/attachments/original/1482203686/The_Evolution_of_Japanese_Security_Policy.pdf?1482203686.
14. Costa, Anna (2017). The China-Japan Conflict over the Senkaku/Diaoyu Islands: Useful Rivalry, London: Routledge.
15. Countryeconomy (2019). Country comparison Japan vs China, available at <https://countryeconomy.com/countries/compare/japan/china?sc=XE23>.
16. Dehghani Firouzabadi, Jalal; Nori, vahid (2013). An Analysis of Interaction between Islamic Republic of Iran and Persian Gulf Cooperation Council (2005-2011), *International Relations Research Quarterly* Volume 2, Issue 5, Winter 2013, Page 9-52. [In Persian]

17. Ghafary, Asghar ; Pyrhady , Mohsen (2017). Replacing US influence instead of Britain in Iran (1953-1979), international relations research Quarterly , Volume 6, Issue 22 - Serial Number 1, Autumn 2017, Page 59-100. **[In Persian]**
18. Glosserman, Brad (2016). "Peak Japan and its implications for regional security, special report", The Australian Strategic Policy (ASPI), Policy Institute, March 13, Retrieved from <https://www.files.ethz.ch/isn/196438/Peak%20Japan%20and%20its%20implications%20for%20regional%20securit.pdf>.
19. Gray, Gavan P (2013). Japan's Defence Build-up and its Meaning for Asia, European Institute for Asian Studies, Briefing Paper 2013/3, Retrieved from http://www.eias.org/wpcontent/uploads/2016/04/EIAS_Briefing_Paper_2013-3_Gray.pdf.
20. Goh, Evelyn (2011). How Japan matters in the evolving East Asian security order, International Affairs, Volume 87, Issue 4, July 2011, Pages 887-902,
21. Hay, David (2014). "Japan's strategic re-posture: Prime Minister Abe and the implications for the japan-us alliance and regional Security", The Centre for Defense and Strategic Studies (CDSS), December, Retrieved from [http://www.defence.gov.au/ADC/Publications/IndoPac/Hay%20final%20paper%20\(2\).pdf](http://www.defence.gov.au/ADC/Publications/IndoPac/Hay%20final%20paper%20(2).pdf).
22. Hayes, Peter, Cavazos, Roger (2015). "North Korea in 2014: A Fresh Leap Forward Into Thin Air? NAPSNet Special Reports, March 09, 2015, <https://nautilus.org/napsnet/napsnet-specia--reports/north-korea-in-2014-a-fresh-leap-forward-into-thin-air/>.
23. Hosoya, Yuichi (2015). Japan's New Security Legislation: What Does This Mean to East Asian Security? American Foreign Policy Interests, 37:296-302.
24. Joyce, Colin and Gedy, Robin (2003). "Japan Threatens First Strike at North Korea in Missile Crisis, The Guardian, February 14, 2003.
25. Japan Ministry of Defense (2004). National Defense Program Guidelines, available at https://www.mod.go.jp/e/d_act/d_policy/national.html.
26. Japan Ministry of Defense (2005). Defense Annual Paper, available at https://www.mod.go.jp/e/publ/w_paper/index.html.
27. Japan Ministry of Defense (2015). Defense Annual Paper, available at https://www.mod.go.jp/e/publ/w_paper/index.html.
28. Japan Ministry of Defense (2018). National Defense Program Guidelines, available at https://www.mod.go.jp/e/d_act/d_policy/national.html.
29. Japan Ministry of Defense (2018). Medium Term Defense Program, available at https://www.mod.go.jp/j/approach/agenda/guideline/2019/.../chuki_seibi31-35_e.pdf.
30. Kaseda, Yoshinori (2012). Japan's Security Policy towards East Asia, Perceptions, Volume XVII, Number 4, pp. 27-48.
31. Koohkan, A., Mohammadinasab, A. (2016). 'Disputed Islands Crisis in the East Asia and its Impact on Regional Stability', 8(27), pp. 126-150.

32. Khorshidi, Naser; Yousefijouybari, Mohammad; mohammadi, farshid (2018). Explanatory of stability and Enlargement of NATO from the prospective of Threat Balance Theory Stephan Walt's, Political and International Relations research quarterly, Volume 9, Issue 34, Winter 2018, Page 290-306. **[In Persian]**
33. Lee, Seung Hyok (2016). Japanese Society and the Politics of the North Korean Threat, Toronto: University of Toronto Press.
34. Lind, Jennifer (2016). "Japan's Security Evolution", Policy Analysis No. 788.
35. Miyajima & Akio & Swenson-Wright, John (2014). Japan's 'Proactive Contribution to Peace': Implications for Regional Security, Chatham House, Asia Programme Meeting Summary, Retrieved from https://www.chathamhouse.org/sites/default/files/field/field_document/20140605JapansProactiveContributionPeace.pdf.
36. Maxie, Jeremy (2017). The uncertainty over U.S. Philippine relations presents Tokyo with an opportunity to exercise leadership, The Diplomat, Retrieved from <https://thediplomat.com/2017/01/how-japan-plans-to-counter-china-in-southeast-asia/>.
37. Matton, Richard (2009). Strategic Implication Of Japan Amending its Constitution Strategy Research Project, U.S. Army War College.
38. Ministry of Foreign Affairs of Japan (2013). National Security Strategy, available at <https://www.cas.go.jp/jp/siryuu/131217anzenhoshou/nss-e.pdf>.
39. MGM Research (2019). China vs Japan – GDP Indicators Comparison, available at <https://mgmresearch.com/china-vs-japan-gdp-indicators-comparison/>.
40. Monavari, Ali; Rostami, Banafshe (2017). Rebuilding the Arab-American Alliance to Confront the Gulf Security Threats. World Politics, 6(2), 185-210. doi: 10.22124/wp.2017.2489. **[In Persian]**
41. Masroor, M., khani, M. (2018). Geopolitical Rearrangement in the South China Sea. Geopolitics Quarterly, 14(50), 168-196.
42. Okano-Heijmans, Maaike (2012). Japan's Security Posture in Asia: Changing tactics or strategy? ISPI – Analysis No. 125.
43. Pollock, John (2016). The Return of Japan's Ambition: Shinzo Abe's Assertive Foreign Policy, Available at <http://natoassociation.ca/the-return-of-japans-ambition-shinzo-abes-assertive-foreign-policy/>.
44. Prosser, David L (2017). Analysis of key factors driving Japan's military normalizati, Master's thesis, naval postgraduate school Monterey, California.
45. Sakaki, Alexandra (2015). Japan's Security Policy: A Shift in Direction under Abe? SWP Research Paper, March.
46. Saltzman, Ilai Z (2014). Japan's Pivot to Normalcy: Interpreting Tokyo's Security Policy Revolution, the FLACSO-ISA Joint International Conference, Buenos Aires, July 23-25.
47. Schweller, Randall (1994). Bandwagoning for Profit: Bringing the Revisionist State Back In, International Security, Vol. 19, No. 1, pp. 72-107.

48. Simbar, Reza; Esmaili, Ali (2013). The Formation and Durability of Iran-Syria Alliance (1979-2000), *World Politics*, 2(2), 7-28. [In Persian]
49. Singh, Bhuhindar (2002). Japan's Post-Cold War Security Policy: Bringing Back the Normal State, *Contemporary Southeast Asia*, Vol. 24, No. 1, pp. 82-105.
50. Singh, Piyush (2016). "The Architect: How Abe Redesigned Japan's Foreign Policy", *The National Interest*, March 17, Retrieved from <https://nationalinterest.org/blog/the-buzz/the-architect-how-abe-redesigned-japans-foreign-policy-15522>.
51. Soderberg, Marie (2005). Changes in Japan's foreign and security policy, *European Institute of Japanese Studies, Working Paper No 211*.
52. Statista (2019). The 15 countries with the highest military spending worldwide in 2017 (in billion U.S. dollars), Available at <https://www.statista.com/statistics/262742/countries-with-the-highest-military-spending/>.
53. SIPRI (2019). Trends in world military expenditure 2018, SIPRI Fact Sheet. April 2019, available at <https://www.sipri.org/publications/2019/sipri-fact-sheets/trends-world-military-expenditure-2018>.
54. Shamiri Shekofti, A., Shahandeh, B. (2018). Explanation of the Position of Smart Power in China's Foreign Policy. *Geopolitics Quarterly*, 14(51), 31-62.
55. The Advisory Panel on Reconstruction of the Legal Basis for Security (2014). Report of the Advisory Panel on Reconstruction of the Legal Basis for Security.
56. The Tokyo Foundation (2008). New Security Strategy of Japan: Multilayered and Cooperative Security Strategy, Policy Recommendations, Retrieved from http://www.tokyofoundation.org/en/additional_info/New%20Security%20Strategy%20of%20Japan.pdf.
57. The Heritage Foundation (2019). North Korea, available at <https://www.heritage.org/index/country/northkorea>.
58. The World Bank (2019). The World Bank In China, available at <https://www.worldbank.org/en/country/china/overview#1>.
59. Trading Economics (2019). North Korea GDP Annual Growth Rate, available at <https://tradingeconomics.com/north-korea/gdp-annual-growth-rate>.
60. Trading Economics (2019). Japan Military Expenditure, available at <https://tradingeconomics.com/japan/military-expenditure>.
61. Tatsumi, Yuki (2014). Can Japan's National Security Strategy outlive Abe? *East Asia Forum*, Retrieved from: <http://www.eastasiaforum.org/2014/11/18/can-japans-national-security-strategy-outlive-abe/>.
62. Tokuchi, Hideshi (2016). Japan's New Defense Policy and Its Implication for the Regional Security, GRIPS Forum Speech, Retrieved from http://www.grips.ac.jp/cms/wpcontent/uploads/2016/04/160418GRIPSForum_web_EN.pdf.
63. Twining, Daniel (2014). Is Japan's Grand Security Strategy the Key to Preserving U.S. Power in Asia? *Foreign Policy*, September 2, Retrieved from <http://foreignpolicy.com/2014/09/02/is-japans-grand-security-strategy-the-key-to-preserving-u-s-power-in-asia/>.

64. U.S. Energy Information Administration (2012). Territorial disputes hamper exploration and production of resources in the East China Sea, available at <https://www.eia.gov/todayinenergy/detail.php?id=8270>.
65. Walt, Stephen (1987). The Origins of Alliances. New York, Cornell University Press.
66. Walt, Stephen M (1985). Alliance Formation and the Balance of World Power, International Security, Vol. 9, No. 4, pp. 3-43.
67. Watanabe, Tsuneo (2015). Japan's Security Strategy toward the Rise of China From a Friendship Paradigm to a Mix of Engagement and Hedging, available at <http://www.tokyofoundation.org/en/articles/2015/security-strategy-toward-rise-of-china>.
68. World Atlas (2018). Which Countries Border Japan? Available at <https://www.worldatlas.com/articles/which-countries-border-japan.html>.
69. You, Chaekwang (2015). Explaining Japan's Shift to Foreign Policy Activism: Security Challenges and Perverse Political Accountability", International Relations and Diplomacy, Vol. 3, No. 5, May, pp 313-328.
70. (2018). Japan defense plan calls for aircraft carriers at sea and vigilance in space and cyberspace, Japan times 18 December, available at <https://www.japantimes.co.jp/news/2018/12/18/national/japan-eyes-aircraft-carrier-deployment-cyberdefense-boost-10-years/#.XTMnOXtS82x>.